

روانِ گوساله در جسم و جانِ گاتها

کاری از تیم ادیان‌نت

متون مقدس آمادگی شدیدی برای تحریف و دلبخواه سازی دارند. برای جلوگیری از این معضل، لازم است تا پژوهشگران، تعصبات و مخصوصاً احساسات ناسیونالیستی را کنار بگذارند و در طریق ترجمه‌ی متون دینی و باستانی، حقیقت را در نظر بگیرند. گاتها، بخشی از کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) است که متأسفانه با انگیزه‌های خاصی توسط تعدادی محدود از اوستاپژوهان زرتشتی و باستان‌گرایان به صورتی رنگ و لعاب داده شده ترجمه گردیده و در این میان بسیاری از نقاط تاریک این کتاب، توسط این افراد سانسور شده است. یکی از این موارد «گئوش اوروان» است.^۱ در ادامه به این نکته خواهیم پرداخت که برخی موبدان زرتشتی و باستان‌گرایان چگونه حقیقت این عبارت را واژگون جلوه می‌دهند تا واقعیت از چشم حق جویان پنهان بماند.

ابتدا اصل مطلب!

در گاتها، هات ۲۸، بند ۱ می‌خوانیم (فونت اوستایی):

دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.
دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.
دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.
دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.
دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.
دسردس. دسردس. اعاکدزوسد.

۱. Geuš urvan

آوانگاری لاتین:

ahyâ ýâsâ nemanghâ ustânazastô rafedhrahya manyêush mazdâ
pourvîm speñtahyâ ashâ vîspêñg shyaothanâ vanghêush xratûm
mananghō ýâ xshnevîshâ gêushcâ urvânem.²

ترجمه:

«ای مزدا، ای سپندمینو؛ اینک در آغاز با دست‌های برآورده ترا نماز می‌گزارم و خواستار
بهروزی و رامشم. [بشود که] با کردارهای آشه و با همه‌ی خرد و منش نیک، **گئوش**
اورون را خشنود کنم.»^۳

زرتشت^۴ دست به سوی آسمان دراز می‌کند، نماز می‌گزارد، رامش و بهروزی می‌خواهد
تا بتواند همه کارهایی را که از راستی و خرد پاک سرچشمه می‌گیرد انجام دهد تا
اهورامزدا «گئوش اوروان» را خشنود کند! بنا بر این گفتار، هدف زرتشت از گرایش به
نیکی (!؟) رسیدن به خشنودی «گئوش اوروان» و جلب رضایت اوست (بنگرید به عبارت:
gêushcâ urvânem).

گئو، گئوش:

استاد پوردادود پدر اوستاشناسی ایران گفتند که گئوش به معنی «گاو» است. در متن اوستا
از گئوش اوروان (در پهلوی: گوشورون) نام برده شده است. یشت نهم اوستا مختص به
او است. «گئوش اوروان» از گاو مشتق است، این واژه در اصطلاح یعنی «روان گاو» یا
همان روح نخستین آفریده. چون بنا بر متن اوستا، گاو نخستین آفریده اهورامزدا است. به

2. Based on edition of Karl F. Geldner, *Avesta, the Sacred Books of the Parsis*, Stuttgart, 1896, Chapter 28 : 1.

۳. این ترجمه تقریبی است. در ترجمه‌های مختلف، جمله بندی‌ها اندکی متفاوت هستند و لذا میانگین ترجمه‌ها در اینجا آورده شده است.

۴. طبق ادعای موبدان، این سروده‌ها از سوی زرتشت است.

قول بُندَه‌شَن (که یکی از مهم‌ترین منابع پارسی میانه است) اول چیزی که اهورامزدا در میان مخلوقات جاندار آفرید، گاو بود. لیکن آن گاو، در اثر حمله اهریمن کشته شد، پس اهورامزدا نطفه آن گاو را به ماه برد. سپس موجودات سودمند از نطفه این گاو آفریده شدند. به همین علت در اوستا، گاو منشأ پیدایش جانداران مفید است. به عبارتی دیگر، در نگاه زرتشتیگری، گاو مبدأ آفرینش است.^۵ استاد پورداد مکرراً بر اینکه گئوش به معنی گاو است تصریح کردند. دکتر «پرادز اکتور شروو»^۶ نیز به عنوان یک متخصص اوستاشناسان و استاد زبان‌های باستانی ایرانی در دانشگاه هاروارد ایالات متحده و از اعضای سابق تیم تخصصی دانشنامه ایرانیکا، در ترجمه گاتها، هات ۲۹، بند ۱ و در معنی واژه «گئوش اوروان» چنین آورده است: «به نزد شما ای خدایان، نَفَس روح گاو شکایت می‌کند که برای چه کسی کالبد مرا شکل دادی؟» ایشان در ادامه و در ترجمه‌ی هات ۴۶، بند ۴ نیز این معنا (گئو و گئوش به معنی گاو) را تصریح کردند. نکته اینجاست که پروفیسور شروو به دلیل تلاش در مسیر امانت داری، ذهنیت و ادبیات شخصی خود را در ترجمه‌ی گاتها دخالت ندادند. لذا ترجمه‌ی ایشان، اصیل و دانش‌محور است (برخلاف بسیاری از موبدان و باستان‌ستایان که از گاتها ترجمه‌ای غیر علمی، دروغین و شاعرانه ارائه می‌کنند). و اما شاهد دیگر در اثبات معنی «روان گاو» برای «گئوش اوروان» در کلام کریستین بارتولومه است که استاد پورداد در گزارش اول گاتها، به نقل از ایشان در ترجمه‌ی هات ۳۱، بند ۹ چنین می‌گوید: «از آن تو بود نیروی آفریننده‌ی ستوران و خرد روشن که ستور را آزاد گذاشته تا پناه خویش نزد برزیگر و غیر برزیگر

۵. ابراهیم پورداد، گاتها کهن ترین بخش اوستا، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۶. پرودز اکتور شروو prodz oktor shrevo متولد ۱۹۴۴، پروفیسور ایران شناس در دانشکده زبان‌ها و تمدن خاور نزدیک دانشگاه هاروارد امریکا؛ اهل نروژ و دانش‌آموخته زبان‌های باستانی ایرانی (اوستایی، پهلوی)، ادبیات و ادیان (زرتشتی، مانوی) و لهجه‌های ایرانی است. او در دانشنامه ایرانیکا از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ دستیار ارشد ویراستاری بوده است.

اختیار کند.^۷ و این به این معنی است که ایشان واژه‌ی «گئوش» در این بند را به ستور - چارپا- ترجمه کرده‌اند. پروفیسور شوشتی هم در ترجمه گاتها، هات ۲۹، بند ۲ چنین می‌گویند: «ایدون سازنده گاو [گیتی] از اشا پرسید که را تو بر گاو، رتو [یعنی پیشوا] بر می‌گزینی؟» ایشان در توضیح می‌گویند: «از گئوش اوروان یا روان گاو، در این یسنا مقصود روان جهان تن است. در جهان پدید، خواه جمادات یا نباتات یا حیوان یا کرات آسمانی و ستارگان چیزی نیست که در تحت شعاع روان گاو نباشد.»^۸ که البته روشن است که این سخن پروفیسور شوشتی، برگرفته از همان باور زرتشتی است که در فلسفه زرتشت، کائنات و موجودات جهان سودمند، از روح گاو پدید آمده‌اند.

شاهد دیگر، بر این معنی، هات ۲۹ گاتها، بند ۲ است که استاد پوردادود، باری دیگر گئوش را به «جانور» معنا نمود: «آنگاه آفریننده‌ی جانور از اردیبهشت پرسید: تو چگونه ردی (رهبر و پیشوایی) به جانور می‌دهی؟»^۹ و حتی موبد رستم شهزادی (با اینکه تلاش بسیاری برای رنگ و لعاب بخشیدن به گاتها نموده است) در ترجمه هات ۳۲، بند ۱۲ «گئوش» را به معنی «حیوان قربانی» گرفته است. استاد پوردادود نیز در گزارش اول خود، در ترجمه همین قسمت از گاتها، گئوش را به گاو ترجمه کرده است.^{۱۰} حتی موبد رستم شهزادی در ترجمه‌ی هات ۳۲ گاتها، بند ۱۴، عبارت *Gaush jayi diayi* را به گوشت حیوان قربانی یعنی گاو ترجمه کرده اند یعنی خود ایشان نیز گئوش را به معنی حیوان چارپا یا به زبانی روشن‌تر، «گاو» گرفته اند و چنین بیان می‌دارند که سراینده‌ی گاتها از اینکه گاو به دست دشمنان قربانی می‌شود ابراز ناراحتی و نارضایتی می‌کند.^{۱۱} جالب

۷. ابراهیم پوردادود، گاتها کهن ترین بخش اوستا، همان، ص ۱۵۳.

۸. پروفیسور عباس شوشتی مهرین، گاتها سروده های زرتشت، تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۷۴، ص ۲۷ - ۲۶

۹. ابراهیم پوردادود، گاتها کهن ترین بخش اوستا، همان، ص ۴۴۲

۱۰. ابراهیم پوردادود، گاتها کهن ترین بخش اوستا، همان، ص ۱۶۵.

۱۱. گاتها، ترجمه موبد رستم شهزادی، هات ۳۲ بند ۱۴

اینکه موبد شهزادی، هر جا که به سودشان باشد، «گئوش» را به معنی «گاو» گرفته و هر جا که به ضررشان باشد، این واژه را «روان جهان سودمند» معنی کرده اند!^{۱۲} در دیگر بخش‌های اوستا نیز «گئو» و «گئوش» به معنی گاو است. برای نمونه به چند شاهد استناد می‌کنیم:

در اوستا، بخش یسنا، هات ۱۳، بند ۷ آمده است: «فره‌وشی گاو خوب گئش و گیومرت اشون را می‌ستایم.»^{۱۳} و در هات ۳، بند ۱۳ چنین آمده است: «خواستار ستایش اهورا و مهر، بزرگواران گزند ناپذیر اشون... و ماه در بردارنده تخمهی گاو... هستم.»^{۱۴} و در هات ۱۶، بند ۴ نیز همین گونه (ماه در بردارنده نژاد گاو) آمده است.^{۱۵} همچنین در اوستا، ابتدای یشت هفتم (ماه یشت) چنین آمده است: «خشنودی ماه در بردارندهی تخمهی گاو را و گاو یگانه آفریده را و چارپایان گوناگون را.»^{۱۶} در اوستا، ویسپرد، کردهی ۱۱، بند ۳، «گاو خوب گئش» ستایش شده است.^{۱۷} حتی در اوستا، تیریشت، کرده ۶، بند ۱۶ آمده است که اهورامزدا به زرتشت گفت که تشر (یکی از ایزدان) با همه فره‌مندی و رایومندی اش، به پیکر یک گاو زرین شاخ در می‌آید و پرواز می‌کند.^{۱۸}

در دانشنامه ایرانیکا (بزرگترین و جدیدترین دانشنامه ایران‌شناسی جهان) «گئوش اوروان» به صورت The soul of the Cow یعنی روح گاو ترجمه شده است. در ادامه نیز آمده است:

۱۲. البته روشن است که این معنی «روان جهان سودمند» هم به این خاطر است که در نگاه ایشان، جهان سودمند از روان گاو آفریده شد است.

۱۳. اوستا، گزارش دکتر دوستخواه، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۹.

۱۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۱۵. همان، ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۶. همان، ج ۱، ص ۳۲۵.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۵۴۵.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۳۳۳.

The name of the archetypal Bovine, whose plight is a subject of Zoroaster's *gāthā*.

ترجمه: «منظور از [گئوش] همان گاو نخستین است که حکایت گرفتاری او در گاتهای زرتشت آمده است.»

همچنین در ادامه این مقاله آمده است که این گاو، به عنوان «گاو نالان و ضجه کننده» هم شناخته می‌شود (چون آن گاو نخستین، زاری کنان از اهورامزدا درخواست کمک کرد). همچنین این واژه (در کنار معنای اصلی: گاو) معانی دیگری هم دارد. مانند «گله گاو»، «اغنام و چارپایان»، «گاو مانند»، «گاو خوی» و دیگر تفاسیر. در منابع پارسی میانه نیز *gāw ī ēwag dād* خوانده شد (گاو ایوگداد). داستان این گاو در گاتها آمده است (هرچند در اشعار گاتها اختلاف نظرهایی وجود دارد). به هر حال، این واژه «گئوش اوروان» دو نوع معنا و تفسیر دارد. یک معنای بنیادین، که همان گاو (روان گاو) است و دیگری اینکه این واژه، استعاره و یک نوع آرایه ادبی است.^{۱۹} در ادامه آمده است:

In the Avesta the figure of the *gau-* appears to be a cow and this is supported by comparative date from the Indian Vedic and epic traditions (see Lincoln pp. 140ff.).

یعنی: «در اوستا، شکل و شمایل گئو (که به شکل گاو ظهور پیدا میکند) مورد پشتیبانی و مطابق با تاریخ و سنت حماسی هندی (یا همان متون ودایی) است (چون در متون هندی هم گاو همین جایگاه را دارد).^{۲۰}»

۱۹. در باب استعاره هم توضیح دادیم که چون در منابع زرتشتی، جهان سودمند از روح گاو خلق شده، لذا روان گاو، استعاره از همان روان جهان سودمند تلقی می‌شود.

20. Encyclopædia Iranica, GĒUŠ URUUAN, by William W. Malandra, Last Updated: February 9, 2012, This article is available in print. Vol. X, Fasc. 6, p. 577.
W. W. Malandra, An Introduction to Ancient Iranian Religion, Minneapolis, 1983, pp. 35-38.

از آنچه در ابتدای این نوشتار گفته شد (گاتها، هات ۲۸، بند ۱) برمی آید که زرتشت^{۲۱} دست به سوی آسمان دراز می کند، نماز می گزارد، رامش و بهروزی می خواهد تا بتواند همه کارهایی را که از راستی و خرد پاک سرچشمه می گیرد انجام دهد تا اهورامزدا روان گاو را خشنود کند! بنا بر این گفتار، هدف زرتشت از گرایش به نیکی (!؟) رسیدن به خشنودیِ روانِ گاو است. هدف او از خردمندی و پاکی (!؟) جلب رضایتِ گئوش اوروان است. جالب اینکه در ترجمه‌ی آلمانی گاتها (اثر کریستن بارتولومه و ویراستاری فریتس وُلف) نیز این عبارت به صورتِ *die Seele des Stiers* (یعنی روح گاو)^{۲۲} آمده است. در ترجمه اینسلر (که نسخه آن در عصر حکومت پهلوی به چاپ رسید) نیز، معنی عبارت «گئوش اوروان» به صورت «The soul of the cow» یعنی «روح گاو» ترجمه شده است.^{۲۳} بدین معنی که **زرتشت در پی کارهای خوب بود، برای اینکه به کمال (که همان رسیدن به روح گاو است) برسد!**

پاسخ به پاسخ!

پیش از آنکه این متن را منتشر کنیم، آن را به سمع و نظرِ برخی موبدان و موبدیاران محترم و نیز برخی از سران باستانگرایی رساندیم. بدین امید که آنان پاسخی به ما بدهند و ما نیز این نوشتار را محکم تر و مستندتر ارائه کنیم. لیکن در پاسخ، همه گونه فحش و توهین و انواع و اقسام انگ‌ها و برچسب‌ها نثار ما شد. بسی جای شگفتی است، کسانی که ادعای خردمندی و آزاداندیشی‌شان گوش فلک را کرد کرده، این چنین در برابر یک بحث مستند، اختیار از کف داده لب به رکیک‌ترین ناسزاها باز کنند و برای ساکت کردن هر صدای منتقدی، به انواع تهدیدها روی بیاورند. در این میان، تنها کسی که پس از چند

۲۱. طبق ادعای موبدان، گاتهای اوستا، سروده‌های زرتشت است.

22. Übersetzt von Fritz Wolff, Avesta — die heiligen Bücher der Parsen, Strassburg, 1910. Gathas von Christian Bartholomae. Zarathushtra: die Gatha's des Awesta : Verspredigten. Strassburg: Trübner, 1905. Gathas 28 : 1

23. Textes et Memoires, Volume I, The Gatha of Zarathustra, by S. Insler, Diffusion E.J. Brill, Leiden, Edition Bibliotheque Pahlavi, Teheran-Liege, 1975. P 25.

قلم توهین، پاسخی نسبتاً علمی به ما داد، شادروان موبدیار مهران غیبی بود.^{۲۴} ما نیز نوشتار ایشان را بررسی کردیم و نقدهایی جدی بر پاسخ ایشان نوشتیم. فی الواقع به پاسخ ایشان پاسخ دادیم. خلاصه نوشتار ایشان از این قرار بود:

گئو و گئوش، علاوه بر معنی گاو، به معنی زمین و جهان نیز هست. همانطوری که در زبان‌های لاتین، واژه جئو (Geo) به این معانی به کار می‌رود. برای نمونه Geography یا همان جغرافیا... یا مثالی دیگر، Geophysics (ژئوفیزیک). پس آنچه در گاتها آمده، تلاش زرتشت برای خشنودی روان جهان است. نه روان گاو.

پاسخ به نوشتار شادروان موبدیار مهران غیبی:

- با تشکر از شما جناب غیبی، ابتدا گلایه کنم که ای کاش به شعار آزادی بیان و صلح دوستی خود بیشتر پایبندی نشان می‌دادید و کمتر این حقیر را تحقیر و مورد توهین قرار می‌دادید. به خدا قسم از توهین‌های شما آسیبی به من نرسید و هیچ عزتی بر شما وارد نشد. *تِلْكَ شِقْشِقَةٌ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ*. اما بعد...
- به خداوندی خدا قسم، اگر دوستان و همراهان و هموندان جامعه شما، و نیز کسانی که به راست یا به دروغ، خود را به شما منسوب می‌دارند، لب به توهین و فحاشی به دین و آیین ما نمی‌کشوند، ما نیز آنچه نوشتیم را نزد خود نگاه می‌داشتیم. لیکن امروز برای تبیین برخی حقایق مجبور به افشای برخی اسناد هستیم. دین و آیینی که شما موبدان امروز از آن سخن می‌گویید خانه‌ای است

۲۴. ایشان که مدتی پیش در اثر بیماری از دنیا رفتند، بی‌تردید، شخصیتی متفکر و اهل مطالعه بودند. هرچند در اثر کم‌لطفی جامعه زرتشتی نسبت به ایشان، هیچ گاه به عنوان «موبد» ارتقاء نیافتند. بلکه تا پایان زندگی همان «موبدیار» ماندند. چه اینکه در جامعه زرتشتی، تنها کسی می‌تواند موبد شود، که موبدزاده باشد. به عبارتی خون موبدی در رگ‌هایش باشد. سایرین (هرچند باسواد و متفکر باشند) تنها می‌توانند موبدیار باشند.

زیبا، اما از جنس شیشه. این دیدگاه من است. امید دارم که از این سخن غمگین نباشید.

- اسناد تاریخی به قدر کفایت نشانگر این است که گئو / گئوش به معنی گاو است.
- فرمودید در زبان‌های لاتین، Geo به معنی زمین است و مثال‌هایی آوردید. بسیار متشکرم که مستند و مستدل سخن گفتید و از این بابت به شما تبریک می‌گویم. اما نکته اینجاست که زبان اوستایی را باید بر اساس فرهنگ اوستایی ترجمه کرد. نه فرهنگ زبان‌های لاتین و نئولاتین. همانطور که برای ترجمه عبارات «هندی» نمی‌توان به لغت‌نامه‌های ترکی و عربی مراجعه کرد. بلکه ممکن است زبان‌ها با یکدیگر اشتراکاتی داشته باشند، اما هر زبان ویژگی‌های دستوری و واژگانی مخصوص به خود را دارد. از سویی فرمودید جئو و ژئو در زبان لاتین به معنی زمین است. بعد نتیجه گرفتید که «گئو یعنی جهان». این در حالی است که زمین مساوی جهان نیست. زمین یک معنی دارد. جهان یک معنی دیگر.
- اگر فرض کنیم که گئو علاوه بر گاو، به معنی جهان هم باشد، اینجا باید پرسید که چه علقه‌ای میان این دو واژه وجود دارد؟ پاسخ این سؤال در منابع روایی زرتشتی آمده است. از آنجا که در باور زرتشتی، جهان سودمند، از روح گاو خلق شده است. از همین روی، جهان سودمند، را بر «روح گاو» تطبیق داده اند.
- جناب غیبی، از قضا بنده اسنادی در اختیار دارم که نشان می‌دهد اگر «گئوش اوروان» را به معنی «روان جهان» بگیرید، مشکلات سنگینی برای آیین زرتشتی ایجاد می‌کند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم.
- در گاتها گئوش اوروان ناله سر می‌دهد و از اینکه رهبران دیویسنان وی را آزار داده‌اند، ابراز ناراحتی و سرخوردگی می‌کند و از اهورامزدا می‌خواهد تا شبانی برای وی برگزیند تا از او مراقبت کند (گاتها، هات ۲۸-۲۹). اما هنگامی که

هورامزدا زرتشت را به عنوان شبان و پرورنده به او معرفی می کند، گئوش اوروان لب به اعتراض می گشاید و زرتشت را مورد توهین تحقیر قرار می دهد: «آنگاه بنالید گئوش اوروان، که من خشنود شوم به آواز سُست یک نگهدار، یک مرد ناتوان! به جای یک شهریار توانا که آرزوی من است. کی خواهد بود آن هنگام که به او یاری زبردست داده شود؟»^{۲۵} روشن است که در این جا گئوش اوروان، زرتشت را ناتوان نامیده و سخنان و سروده های او را سُست معرفی می کند. حال پرسش اینجاست که از دید «روان جهان» یعنی در نگاه «روح عالم هستی» زرتشت چنین است؟! حال اگر بپذیریم که گئوش اوروان همان روان گاو است - همانگونه که زرتشت گفت، همان گونه که شاگردان زرتشت چنین تفسیر کردند، همان گونه که زبان شناسان و باستان شناسان به این نتیجه رسیدند - در این صورت این مسئله قابل قبول است که روان یک گاو از درک حقیقت بدان صورت که بوده قاصر بود. اما به راستی آیا روح جهان هستی، روان آفرینش هورامزدا تا این حد از درک حقایق ناتوان است؟

- در گاتها، هات ۲۹، بند ۱، چنین آمده است: «به شما گله کرد گئوش اوروان، از برای کی مرا آفریدید؟ کی مرا ساخت؟ خشم و ستم و سنگدلی و درشتی و زور مرا به ستوه آورد...»^{۲۶} به راستی آیا درست است که بپنداریم روان جهان، روان هستی و یا روان آفرینش، آفریدگار خود را نمی شناسد؟! لیکن اگر بگوییم که روان گاو از سر خشم، به خداوند اعتراض کرده است اندکی معقول تر و قابل تحمل تر است. چون گاو است. یعنی روان گاو در اثر اسارت و آزار دیدن از رهبران دیویسنا، دچار پریشانی گشه و از شناخت خداوند عاجز شده بود. همچنین

۲۵. گاتها، هات ۲۹، بند ۹: ابراهیم پورداود، گاتها کهن ترین بخش اوستا، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۴۶

۲۶. ابراهیم پورداود، همان، ص ۴۴۲

استاد پورداود در پژوهش خود پیرامون گاتها در ادامه بیان اعتراض و ناله‌های گئوش اوروان وقتی به عبارت «زور مرا به ستوه آورد...» می‌رسد می‌گوید: «به ستوه آوردن از مصدر hi، بستن، بند کردن؛ چنانکه در پاره‌ی یکصد از فروردین یشت آمده، همچنین به معنی پیوستن و چارپا به گردونه بستن است.»^{۲۷} که همین مهر تأیید بر این نکته است که روان گاو از شدت آزار و اذیت به ناله آمده بود. و گرنه رهبران دیویسنان هیچ گاه بر روان جهان اهورامزدا مسلط نشده بودند.



با سلام

اگر این نوشتار را خواندید، و اگر انتقاد، پیشنهاد یا دیدگاهی دارید،
می‌توانید با ما در میان بگذارید:

آدرس سایت ما: پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب:

<http://www.adyannet.com/fa/zartosht>

کانال تلگرامی ما:

@n_bastan

۲۷. ابراهیم پورداود، یادداشتهای گاتها، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۰